

رابطه بین نگرش و سبک‌های فرزند پروری

عباس عبدلی سجزی^۱، طیبه خرسندی سرتشنیزی^۲

^۱ استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران

^۲ کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میمه، میمه، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نگرش و سبک‌های فرزند پروری انجام شده است. روش انجام تحقیق توصیفی، پیمایشی بوده و جامعه آماری این پژوهش والدین دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی بود؛ که با استفاده از فرمول کوکران نمونه آماری برابر با ۲۸۶ نفر بدست آمد و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع گردید. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، یکی از روش‌های نمونه‌گیری است که در آن جامعه مورد تحقیق بزرگ و گسترده است و فهرست کامل افراد جامعه مورد تحقیق در دسترس نیست. در پژوهش حاضر به منظور انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد و همچنین روش انتخاب نمونه در طبقات بصورت غیرتصادفی در دسترس بوده است. یافته‌های نشان داد نگرش و سبک فرزند پروری والدین و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان معنی دار است. یعنی تاثیر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان (۰/۳۵۰، ۰/۳۹۹، ۰/۳۴۳، ۰/۳۰۲، ۰/۳۳۰، ۰/۴۵۰) تاثیر معنی دار دارد. بر اساس ضریب تعیین (R^2) ۲۰/۲، ۱۰/۹، ۹/۱، ۱۱/۸، ۱۵/۹، ۱۲/۲ درصد واریانس تاثیر سواد رسانه‌ای بر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان مشترک است.

واژه‌های کلیدی: نگرش، سبک‌های فرزند پروری، فرزند، والدین

مقدمه

خانه مکانی است که فرزندان زمان زیادی را در آن می‌گذرانند و والدین نقش مهمی در تمام جنبه‌های رشد فرزندان خود دارند. پژوهشگران متعددی تلاش کرده‌اند تا با استفاده از رفتار، نگرش و ارزش‌های زوج‌ها، تعیین کنند که چگونه اعمال والدین بر رشد فرزندان تأثیر می‌گذارد. تحقیقات مرتبط شامل روابط دلبستگی کودکان (چان و همکاران^۱، ۱۹۹۲)؛ اضطراب اجتماعی کودکان (گریکو و موریس^۲، ۲۰۰۲) و سازگاری عاطفی کودکان (بالتر و همکاران^۳، ۲۰۰۷) است. محققان تکنیک‌های انضباطی خاصی از والدین را مشاهده کرده‌اند، واکنش‌های رفتاری معمولی کودکان را ثبت کرده‌اند و ویژگی‌های روان‌شناختی خاص والدین را اندازه‌گیری کرده‌اند (بامریند^۴، ۱۹۹۶)؛ محققان این پدیده‌ها را سبک‌های فرزندپروری، اجتماعی شدن یا تعامل فرزند والدین نامیده‌اند (چو و همکاران^۵، ۲۰۱۶).

یکی از مهم‌ترین عواملی که در خانواده موثر است، شیوه‌های فرزندپروری والدین است که در بروز رفتارهای بهنجار و نابهنجار نقش دارد. شیوه تربیت و عملکرد والدین به طور قابل توجهی پیامدهای مهمی را برای رشد و نمو روانی-اجتماعی، ارتباطات دوستانه آنان و موفقیت‌های تحصیلی، توانایی‌های تصمیم‌گیری و کسب اعتماد به نفس و عزت نفس به دنبال دارد. خانواده پایه و مبنای رشد نوجوانان است. کاستلان (۱۹۸۶) به نقل از منادی معتقد است "افزایش سطح بزهکاری در جامعه با ساختار کلی اجتماع و خانواده ارتباط مستقیمی دارد"

از عوامل بسیار موثر در خانواده رابطه والدین با فرزندان یا شیوه‌های فرزند پروری است. بامریند (۱۹۹۱) به نقل از نوم و میوز شیوه‌های فرزندپروری والدین را تلاش‌های تعریف کرده است که جهت کنترل و اجتماعی نمودن فرزندان مورد استفاده قرار می‌دهند. بامریند (۱۹۶۷) با مطالعه‌ی تعامل والدین با فرزندان در خانه و در آزمایشگاه دریافت که الگوهای متمایز رفتاری والدین با الگوهای رفتاری کودک ارتباط دارد او سه الگوی رفتاری والدین را در تعامل با فرزندان خود مشخص ساخت ؛ ۱- والدین قاطع و اطمینان بخش (مقتدر منطقی) ۲- والدین مستبد و دیکتاتور (۳) والدین سهل‌گیر (آزادگذار)

شیوه فرزندپروری والدین در بزهکار بودن یا نبودن فرزندان موثر است. به نوعی که همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد والدین دارای فرزند بزهکار شیوه‌های تربیتی سهل‌گیر و مستبد و به نوعی آشفته هستند. نکته مهم در این شیوه‌ها عدم ابراز محبت از طرف والدین و خلاهای عاطفی اساسی موجود در بین فرزندان است. در تنها مورد استبدادی هم به نوعی غیرمنطقی اعمال کنترلی شدید و یکجانبه از طرف والدین صورت می‌گیرد. می‌توان گفت در این پژوهش با توجه به موارد مصاحبه شده بین شیوه‌های فرزندپروری نوجوانان بزهکار و غیربزهکار تفاوت وجود دارد. نوجوانان غیربزهکار یعنی کسانی که در مدرسه با آنها مصاحبه شد، شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها قاطع و اطمینان بخش بود در حالی که نوجوانان مصاحبه شده در کانون که بزهکار بوده‌اند، شیوه فرزندپروری والدین آنها آشفته، سهل‌گیر و مستبد بوده است و این نشان دهنده تفاوت در شیوه فرزندپروری والدین بزهکار و غیربزهکار می‌باشد. (ناملی^۶، ۲۰۲۰).

از آنجا که استفاده از اینترنت توسط کودکان و نوجوانان در حال افزایش است، بنابراین نگرانی‌هایی در مورد ایمنی آنلاین آنها وجود دارد ارائه یک محیط امن، به درک عمیق انواع خطرهای محیط آنلاین و همچنین راه‌های موثر در کاهش این

1. Cohn et al.

2. Greco & Morris

3. Butler et al.

4. Baumrind

5. Chou et al.

6. Namle

خطرات نیازمند است. بحث سوءاستفاده از فضای مجازی و صدمات جبران ناپذیری که این محیط می‌تواند به شخصیت و وجهه اجتماعی وارد کند مساله قابل تاملی است که پیشگیری از آن بیشتر از همه بر عهده سازمان‌های تعلیم و تربیتی و به ویژه بر عهده کانون خانواده می‌باشد بی‌اطلاعی از قدرت محیط مجازی و خطرات آن مهمترین نکته در عدم حفظ امنیت اینترنتی است سبک تربیتی والدین در منزل، نوع تعامل مسئولین با افراد جامعه و نوع تعامل افراد جامعه با یکدیگر می‌تواند در گسترش آگاهی افراد از مزایا و معایب محیط‌های مجازی بسیار تأثیرگذار باشد علیرغم تحقیقات قابل توجهی که درباره‌ی این موضوع انجام شده است، نقش والدین و محیط خانواده در گسترش امنیت اینترنتی فرزندان وجه اشتراک بیشتر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است (اصلائی و همکاران، ۱۳۹۷).

با بررسی سبک فرزندپروری و نگرش والدین می‌توان پیشنهادهایی برای استفاده درست از فضای مجازی به مشاوران و مسئولان مدارس ارائه نمود.

محیط و بحرانی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان « بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای با آسیب‌های فضای مجازی از طریق بسته‌های آموزشی-مهارتی، بر دانش، نگرش و سلامت رفتار والدین در فضای مجازی» که بر روی ۵۰ نفر از والدین دانش‌آموزان شهر بوشهر نشان دادند بسته آموزشی بر هرسه متغیر دانش، نگرش و رفتار تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته است اما بیشترین تأثیر بر نگرش والدین و پس از آن بردانش والدین و در نهایت بر رفتار والدین در رابطه با فضای مجازی بوده است. بنابراین می‌توان گفت که بسته‌های آموزشی بصورت حضوری و کارگاهی، روش قابل اعتمادی برای مقابله با آسیب‌های فضای مجازی است. پورناما و همکاران^۱ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «آیا سبک‌های فرزندپروری و باورهای مذهبی برای مشکلات رفتاری کودک اهمیت دارد؟ نقش واسطه‌ای سواد دیجیتال» که یک پژوهش مبتنی بر پرسشنامه ارائه شده به والدین با پیشینه‌های مذهبی مختلف که در نظرسنجی آنلاین شرکت کرده‌اند، نشان دادند که باورهای مذهبی می‌تواند بر سبک‌های فرزندپروری مستبدانه تأثیر بگذارد و بر سواد دیجیتال تأثیر منفی بگذارد. با این حال، باورهای مذهبی در توضیح رفتار منفی کودکان ناکام ماندند. این تحقیق همچنین به نقش سبک فرزند پروری در سواد دیجیتال و رفتار کودکان اشاره می‌کند. در همین حال، سواد دیجیتال بر رفتار منفی کودکان تأثیری ندارد. لی و همکاران^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «تأثیر استفاده از رسانه والدین، نگرش والدین بر رسانه و سبک والدین بر استفاده از رسانه کودکان» که بر روی ۲۰ نفر از والدین کودکان ۴ تا ۶ ساله انجام دادند؛ نتایج نشان داد که بین زمان رسانه والدین و استفاده کودک از رسانه در روز و شب رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نگرش مثبت والدین نسبت به استفاده از رسانه ارتباط مثبتی با استفاده کودک از رسانه در روز داشت، اما نه با استفاده کودک از رسانه در شب، در حالی که نگرش منفی والدین نسبت به رسانه با استفاده کودک از رسانه در روز و شب ارتباط نداشت. علاوه بر این، در میان هفت سبک فرزندپروری، پاداش‌های مادی و خودمختاری ارتباط مثبتی با استفاده از رسانه‌های روزانه کودک داشت. انضباط رابطه منفی با استفاده کودک از رسانه در شب داشت، در حالی که پاداش‌های مادی با استفاده از رسانه شبانه کودک ارتباط مثبت داشت. در مجموع، نگرش مثبت والدین نسبت به استفاده از رسانه قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده استفاده کودک از رسانه در طول روز بود و پاداش‌های مادی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده استفاده کودک از رسانه در شب بود.

¹. Purnamaa et al.

². Lee et al.

نگرش

نگرش‌ها نقش مهمی در زندگی، اندیشه‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی ما دارند. افراد نسبت به موضوعات مختلف و دیگران دیدگاه‌های خاصی دارند که این دیدگاه ناشی از اطلاع آن‌ها، احساس نسبت به آن‌ها و تمایل به انجام عمل در مورد آن‌هاست، و همین دیدگاه در اغلب موارد تعیین‌کننده شیوه برخورد با آن اشیاء یا موضوعات و یا افراد است. بر اساس یکی از تعاریف نگرش، «نگرش یک حالت آمادگی روانی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان یافته تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه اشیاء یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود، دارد» (یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۴).

نگرش^۱، مجموعه‌ای از باورهای رشدیافته در مورد موضوعی خاص، در یک دوره زمانی مشخص و در یک موقعیت فرهنگی اجتماعی است که ضرورتاً تعیین‌گر رفتار نیست؛ اما می‌تواند تأثیر بسزایی بر رفتار داشته باشد و به شکل‌گیری اعمال و رفتارهای منفی و مثبت از جانب فرد منجر شود. موضوع نگرش می‌تواند شامل هر شیء یا شخص قابل تشخیص در ذهن فرد باشد. نگرش‌ها در برگیرنده پاسخ‌های شناختی^۲ و رفتاری^۳ و عاطفی^۴ هستند و بر خلاف نظریه‌های پیشین، این سه پاسخ ضرورتاً از یکدیگر تفکیک ناپذیر بوده و لزوماً به عنوان عامل‌های مستقل از هم شناخته نشده‌اند (کارشکی و ارفع بلورچی، ۱۳۹۳).

مفهوم نگرش، با مفهوم احساس خوب یا بد نسبت به یک شخص یا یک چیز همراه است. بنابراین، مفهوم نگرش با یک صفت مثبت یا منفی همراه است. نگرش را می‌توان به عنوان حالت بدنی، آمادگی آزمودنی برای عمل، آمادگی روانی و عصبی، واکنش عصبی مثبت یا منفی، برداشت، احساس یا اعتمادی که یک شخص نسبت به یک شخص دیگر، یک گروه یک اندیشه، یک موقعیت یا یک شیء دارد تعریف کرد (اکبری بورنگ و همکاران، ۱۳۹۳).

نگرش، تمایل به ابراز واکنش است. نگرش، حالتی درونی است که بر انتخاب عمل فرد نسبت به یک شیء، یک شخص یا یک رویداد اثر می‌گذارد. عامل نگرش در این الگو حاصل باورهای پیرامون رفتار خاص و همچنین ارزش آن است. بنابراین، رویکرد افراد، یک توقع انتظار ارزشی مداخله‌گر است. نگرش به عنوان احساس مثبت یا منفی درباره انجام رفتار هدف تعریف شده است. نگرش فردی نسبت به رفتار، حاصل ضرب باورهای نگرشی (احتمال ذهنی فرد در مورد اینکه انجام رفتار هدف، نتیجه ۱ را به دنبال خواهد داشت) در ارزیابی آن پیامدها (پاسخ ارزیابانه صریح نسبت به نتیجه) می‌باشد (بهراد، ۱۳۹۴).

نگرش اولین عامل تعیین‌کننده قصد رفتاری و عبارت است از میزان مطلوبیت یک رفتار از نظر یک فرد. نگرش نسبت به رفتار بازتابی است از برآیند ارزشیابی مثبت یا منفی شخص از اتخاذ آن رفتار. معمولاً هرچه نگرش نسبت به رفتار مساعدتر باشد، قصد او برای انجام آن باید قوی‌تر باشد. به عبارت دیگر، اولین عاملی که روی قصد افراد برای انجام رفتار یا عدم انجام رفتار تأثیر دارد، نگرش و گرایش‌ها هستند که عامل شخصی نیز نامیده می‌شود. هدف از نگرش ارزشیابی منفی و یا مثبت شخص در مورد انجام یا عدم انجام یک رفتار مشخص می‌باشد. ممکن است نگرش فرد برای انجام رفتاری مثبت باشد، ولی نگرش فردی دیگر نسبت به آن رفتار منفی باشد. بر طبق این تئوری نگرش فرد درباره یک شیء نتیجه عملکرد عقاید فرد درباره شیء و ارزیابی پاسخ‌ها در ارتباط با این عقاید می‌باشد. عقاید نسبت به یک شیء پایه اصلی برای شکل‌گیری نگرش نسبت به یک شیء می‌باشند. نگرش‌ها معمولاً بوسیله ارزیابی عقیده شخص مشخص می‌شود. مشخص است که به منظور مشخص کردن علت

1. Attitude

2. Cognitive

3. Behavioral

4. Emotional

شکل‌گیری و تغییر نگرش و قصد افراد، باید فرایند شکل‌گیری آنان بررسی شود. به طور کلی عقاید اشاره به احتمال قضاوت ذهنی شخص در ارتباط با بسیاری از جنبه‌های قابل تمیز جهان پیرامون شخص دارند. آن‌ها با درک شخص از محیط خودشان در ارتباط می‌باشند (توسلی و همکاران، ۱۳۹۵).

نگرش، از باورهای مرتبط با پیامدهای انجام رفتارهایی ساخته می‌شود که یک فرد در طول زندگی‌اش به دست آورده و روی هم انبار کرده است (هادی‌زاده مقدم و همکاران، ۱۳۹۳).

نگرش، بازتابی از شیوه احساس فرد نسبت به یک شی یا موضوع است. نگرش نسبت به یک پدیده، متأثر از برداشت ذهنی کاربر نسبت به آن پدیده است. نگرش تابع باورهای رفتاری و ارزیابی نتایج است. به بیان دیگر نگرش ارزیابی مثبت یا منفی افراد از یک رفتار خاص، پس از ارزیابی نتایج ادراک شده از آن عمل ایجاد می‌گردد (نادری بنی و همکاران، ۱۳۹۴).

نگرش به عنوان احساس مثبت یا منفی درباره انجام رفتار هدف تعریف شده است. نگرش فردی نسبت به رفتار، حاصل ضرب باورهای نگرشی (احتمال ذهنی فرد در مورد اینکه انجام رفتار هدف، نتیجه I را به دنبال خواهد داشت) در ارزیابی آن پیامدها (پاسخ ارزیابانه صریح نسبت به نتیجه) می‌باشد (بهراد، ۱۳۹۴).

نگرش مطلوب و مثبت، باعث بالاتر رفتن قصد انجام رفتار می‌شود. مطالعات متعددی در زمینه‌های مختلف نشان دادند که نگرش بر قصد رفتاری تاثیر گذار می‌باشند (عثمان و لیزام^۱، ۲۰۱۶).

در ذیل به مهم‌ترین تعاریف نگرش اشاره شده است (یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۴):

- ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را، نگرش شخص نسبت به آن چیز گویند.
- نگرش، نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و تمایل به عمل است. عنصر شناختی، شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک اندیشه یا شیء است. عنصر احساسی یا عاطفی، آن است که معمولاً نوع احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل به جهت آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود.
- نگرش نشان دهنده اثر شناختی و عاطفی به جای گذاشته شده تجربه شخص از شی یا موضوع اجتماعی مورد پنهانی است، و یک تمایل به پاسخ در برابر آن شیء است، در این معنی یک مکانیسم پنهانی است، که رفتار را هدایت می‌کند.
- نگرش نوعی حالت آمادگی است، تمایل به عمل یا عکس‌العمل خاصی در مقابل محرکی خاص.
- نگرش‌های فرد غالباً راکد است و تنها در صورت برخورد با موضوع، در بیان و رفتار تجلی می‌کند و همه چیز زندگی به نگرش‌های فرد بستگی دارد.

ویژگی‌های نگرش

نگرش دارای سه ویژگی به شرح ذیل است (عثمان و لیزام، ۲۰۱۶):

هرنگرش شامل یک شیء، شخص، رویداد یا موقعیت است.

نگرش‌ها معمولاً ارزشیابانه اند.

نگرش‌ها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی‌اند. از میان ویژگی‌ها، ویژگی ارزشیابی کردن، مهم‌ترین مؤلفه‌های نگرش را تشکیل می‌دهد. یک وجه عمده بین واقعیت و نگرش وجود جنبه ارزشیابانه در نگرش است.

¹. Usman & Lizam

اهمیت شناخت نگرش

در ذیل، به برخی کارکردها و آثار مترتب بر شناخت نگرش‌ها اشاره می‌شود (اوزسوی و همکاران^۱، ۲۰۱۷):

امکان پیش‌بینی رفتار: آگاهی از نگرش‌ها تا حد زیادی فرد را قادر به پیش‌بینی رفتارها می‌سازد. البته روشن است که رفتارها از عوامل متعددی ناشی شده و شرایط و موقعیت‌های گوناگونی در شکل‌گیری و تعدد آنها مؤثر است. اما همه این عوامل و شرایط، رفتار را در بسترهایی همساز با نگرش‌ها جهت می‌دهند و با مرور زمان و استمرار عمل برخی از تعارضات بدوی نیز، که معمولاً میان این دو واقع می‌شود، جای خود را به سازگاری و التیام می‌دهند. در حقیقت، امکان پیش‌بینی درست رفتار بر اساس نگرش، به میزان همسازی میان این دو بستگی دارد.

شناخت شخصیت افراد: از جمله اموری که در توصیف و تشریح شخصیت فرد دخالت تام دارد. نگرش‌ها می‌باشند. اهمیت نگرش‌ها، که خود ناشی از به کار بردن نظام ارزش‌های فرد هستند، اگر بیشتر از نظام ارزش‌های مولد خود نباشد، دست کم، به اندازه آن در شناخت فرد مؤثر است.

تشخیص پیش‌داوری‌ها: نگرش‌ها به تدریج، نوعی تجلی کلی غیر قابل فهمی در روش و سیاق زندگی اجتماعی ایجاد می‌کنند و با کمک ارزش‌ها و هنجارهای گروه خودی، به ارزیابی دیگران می‌پردازند. از همین زمان است که بعضی از نگرش‌های پیچیده و مبهم و از نظر منطقی توجیه‌ناپذیر پدیدار می‌شوند و منبع تغذیه پیش‌داوری‌های طبقاتی و گروهی می‌گردند.

داوری‌های علمی: «نظریه‌ای که با پیش‌فرض‌های ذهنی بررسی‌کننده نزدیک باشد و جایی در تجربیات شخصی او داشته باشد از نظر روانی، آسانتر پذیرفته می‌شود». علت پذیرش آن، این است که چنین فرضیاتی بخشی از فرضیات کلی ذهن بررسی‌کننده را می‌سازند که او مستقیماً و بهوضوح، با آنها مواجه نبوده است؛ زیرا در دورنمای ذهن او جای داشته‌اند، اما اکنون صریحاً به شکل یک نظریه ارائه می‌گردد و یا به علت وجود تشابه ذهنی و یا تأیید و تکمیل فرضیات ذهنی خود شخص، به آسانی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

عناصر سه گانه نگرش

بیشتر روان‌شناسان اجتماعی بر روی یک تعریف سه‌عنصری نگرش اتفاق نظر دارند. این سه عنصر به شرح ذیل می‌باشند (یوسفی و تجربه کار، ۱۳۹۴):

بعد شناختی نگرش: عنصر اول شناختی است و شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شیء یا اندیشه است. افراد نسبت به پدیده‌ها و آنچه که پیرامون آنها است، دارای آگاهی‌ها و اطلاعات متفاوتی بوده و به شیوه‌های مختلفی به پردازش می‌پردازند و به ادراکات و شناخت‌های متفاوتی از آن دست می‌یابند. همین ادراکات و شناخت‌های مختلف است که عنصر شناختی نگرش آنها را تشکیل می‌دهد و لذا افراد در مقایسه با یکدیگر نگرش‌های متفاوتی نسبت به جهان پیرامون خود دارند. بنابراین اعتقادات و باورهای شخصی ما که بخش مهمی از آن از طریق دانش و معلوماتمان شکل می‌گیرند، عنصری از عناصر سه‌گانه نگرش یعنی عنصر شناختی آن را تشکیل می‌دهند.

بعد احساسی یا عاطفی نگرش: عنصر دوم نگرش، عنصر احساسی یا عاطفی آن است. انسان‌ها بر اساس باورها و اعتقادات خود نسبت به پدیده‌های مختلف در جهان پیرامون خود، دارای احساس‌ها و عواطف گوناگونی هستند. دوستی و نفرت دو نمونه از عواطف و احساسات مثبت و منفی نگرش می‌باشند.

^۱. Özsoy et al.

بعد رفتاری نگرش: سومین عنصر نگرش، عنصر رفتاری آن است. تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص، عنصر رفتاری نگرش محسوب می‌شود. فردی که نگرش مثبتی نسبت به یک شیء یا یک موضوع دارد، تمایل و آمادگی بیشتری دارد تا در همان زمینه مورد علاقه خود اقدامات و اعمالی را انجام دهد.

این سه جنبه نقشی برابر و مساوی در هر نگرش ندارند. برخی نگرش‌ها در اصل بر داشتن اطلاعات کافی درباره موضوع مبتنی هستند و در سایر نگرش‌ها جنبه‌های رفتاری و عاطفی بسیار مهم هستند. به هر حال، این سه جنبه، همیشه در یک مسیر یا در مسیرهای مختلف در نگرش نهایی فرد تأثیرگذارند. بدین جهت، رویکرد در هر آموزشی برای تغییر نگرش باید در طول مسیری از این سه جنبه قرار گیرد. اینکه کدام جنبه باید تأکید شود، به نوع نگرش که هدف قرار داده شده است، بستگی دارد. لذا تمام آموزش‌ها با هدف تغییر نگرش باید شامل این سه قسمت باشند. لیکن در عمل یک مورد مهم انتخاب پرسش‌های آغازین صحیح برای شروع بحث است. نقطه آغاز آموزش (تمرکز بر دانش، رفتار و یا عاطفی) می‌تواند متفاوت باشد. در برخی نگرش‌ها نقطه آغاز، از دانش و در برخی دیگر، رفتار یا حوزه عاطفی است. لیکن به طور نسبی نقطه آغاز آن قسمتی است که باید بیشترین تأکید روی آن صورت پذیرد. به طور کلی سه جنبه معین در نگرش، لزوم آموزش در یک رویکرد سه‌گانه را فراهم می‌کند (اوزسوی و همکاران، ۲۰۱۷):

بخش مبتنی بر دانش: این بخش مرتبط با تهیه اطلاعاتی در مورد نگرش هدف است. پردازش شناختی این اطلاعات، موضوع محوری در آموزش است.

بخش مبتنی بر رفتار: در مورد آموزش مهارت‌های اختصاصی یا قسمت‌های از مهارت‌هاست.

مهارت‌های عملکردی به وسیله مربی (آموزش دهنده) و یا در صورت امکان فراگیر مشاهده می‌شود و سپس تجزیه و تحلیل می‌شود.

بخش مبتنی بر عواطف: هدف در اینجا رخنه کردن به حیثه عواطف و احساسات است که در لایه‌های زیرین نگرش‌ها قرار دارند. اگر بتوان این لایه‌ها را تغییر داد، نگرش آموخته شده تازه، اساس و بنیان محکم‌تری پیدا می‌کند. در بخش آموزش مبتنی بر عواطف، روش‌هایی استفاده می‌شوند که بتوانند شخص را تحت تأثیر قرار دهند.

آمادگی برای فرزند پروری (سبک‌های والدینی)

فرزند پروری فرآیند تحول و بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های مناسب برای برنامه‌ریزی، خلق، پرورش و تدارک مراقبت از فرزند است (موریسون^۱، ۱۹۷۸؛ نقل از جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷). بروکس^۲ (۱۹۸۷) معتقد است که فرآیند تربیت شامل تغذیه، حفاظت و راهنمایی کودک در گستره‌ی تحولی اوست. فرزند پروری فعالیتی پیچیده است و شامل بسیاری از رفتارهای اختصاصی می‌شود که هر یک از والدین به طور جداگانه و یا با جلب مشارکت یکدیگر از این مهارت‌ها استفاده می‌کنند تا رفتار کودک خود را تحت تأثیر قرار دهند.

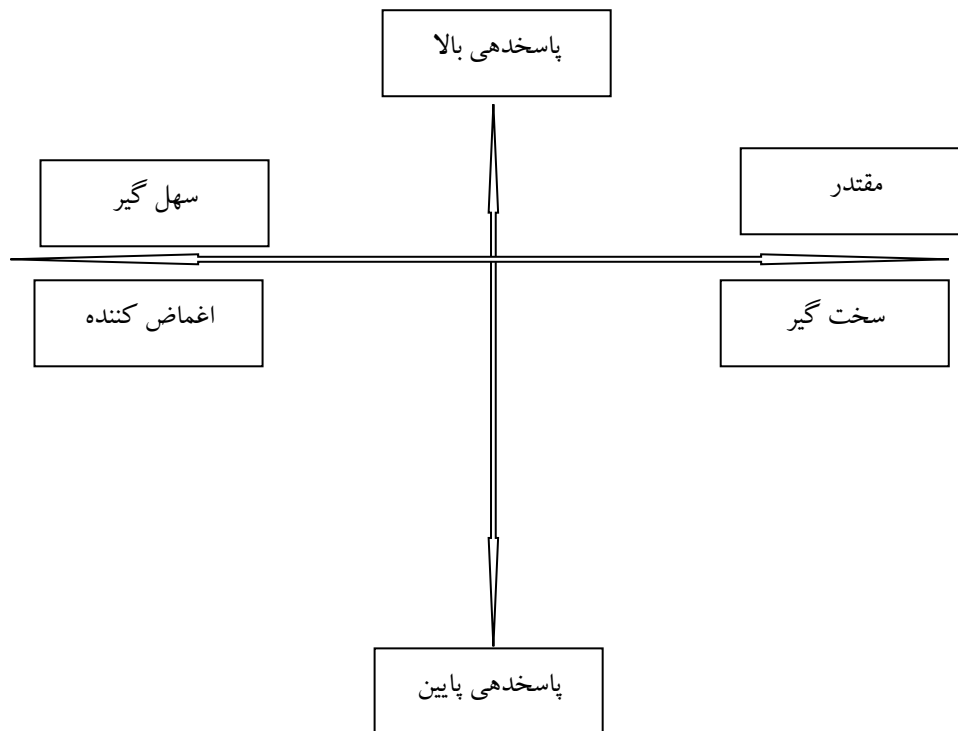
والدین را براساس دو محور پاسخ‌دهی و سطح توقع می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود. محور اول شامل دو زیر گروه می‌شود: گروه اول والدینی هستند که دارای سطوح بالای پاسخدهی هستند. این والدین به نیازهای کودکان خود حساس هستند و نه تنها قادر به شناسایی نیازهای کودکان خود در هر شرایطی هستند، بلکه توانایی ارائه پاسخ متناسب با شرایط مذکور را هم

1. Morrison

2. Brooks

دارند. گروه دوم والدینی هستند که دارای سطوح پایین پاسخدهی هستند. این والدین نه می توانند نیازهای فرزندان خود را تشخیص دهند و نه توانایی پاسخدهی مناسب به نیازهای کودکانشان را دارند. به طور مثال، مادری که تشخیص دهد کودک دو ساله اش نیاز به استقلال دارد، ضمن مراقبت از او به او یاد می هد کارهایی را که از عهده ی آنها برمی آید را انجام دهد، مثل غذا خوردن، راه رفتن و مسایلی از این قبیل. در حالی که مادر پاسخدهی ضعیفی دارد، ممکن است در مقابل نیاز مذکور یا بی تفاوت باشد و یا پاسخ نامناسب بدهد. مثلاً کودکی که نیاز دارد خودش راه برود را مرتب در آغوش بگیرد و یا اجازه ی راه رفتن مستقل را به ندهد (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

محور دوم یعنی توقع والدینی نیز شامل دو زیر گروه می شود: گروه اول شامل والدینی می شود که دارای سطوح بالای توقع والدینی هستند و سعی می کنند که در فعالیت های کودکانشان مداخله کرده و آنها را کنترل کنند و گروه دوم والدینی هستند که دارای سطوح پایین توقع والدینی هستند، این والدین دخالتی در فعالیت کودکانشان نمی دهند و کنترل کمتری را روی کودکانشان اعمال می کنند. براساس الگوی فوق، دیانا بامریند^۱ چهار الگوی اصلی والدینی را برای فرزند پروری معرفی کرده است.



شکل (۱) الگوهای فرزند پروری بر اساس نظریه بامریند

الف) فرزند پروری سخت گیرانه^۲: در این شیوه، والدین تنبیه کننده، محدود کننده بوده و متوقع و صریح هستند، در حالی که پاسخدهی آنها به نیاز کودکان در حداقل میزان خود قرار دارد. این والدین، فرزندانشان را وادار می کنند تا از آنها اطاعت کنند و به آنها احترام بگذارند. آنها برای فرزندانشان محدودیت و کنترل شدید وضع می کنند و با آنها تبادل کلامی ناچیزی

^۱. Diana Baumrind

^۲. Authoritarian parenting

دارند. آنها معتقدند که فرزندانشان باید بدون هیچ توجیهی، مطیع صرف باشند (بامریند، ۱۹۹۱). به عنوان مثال ممکن است یک مادر مستبد به فرزندش بگوید: "این کار را همانطوری که من می گویم بدون هیچ بحثی باید انجام بدهی". در این شیوه برای کسب اطمینان از اطاعت فرزندشان، حتی متوسل به تنبیه جسمانی هم می شوند. کودکان این والدین، اغلب از نظر اجتماعی به طور ناشایست رفتار می کنند، به هنگام مقایسه اجتماعی مضطرب می شوند، در آغاز فعالیت شکست می خورند و مهارت های اجتماعی ضعیفی دارند. این شیوه، کودکان را گوشه گیر و ترسان و فاقد حس استقلال می کند. کودکانی تحریک پذیر، کم جرات، دمدمی یا متخاصم و عصبانی و بیش از اندازه پرخاشگر، محصول این سبک فرزند پروری هستند. این کودکان نسبت به عوامل تنیدگی زا آسیب پذیر هستند. والدین این گروه از محیط های ساخت دار و بسیار منظم با قوانین صریح و مشخص استفاده می کنند. این والدین را می توان در دو زیر گروه قرار داد:

۱) والدین غیر سخت گیر: رهنمودی که به طور رهنمودی اما بدون تحمیل قدرت یا استبداد از قدرت خود استفاده می کنند.

۲) والدین سخت گیر: رهنمودی که از شیوه های تحمیلی شدید استفاده می کنند (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

والدین خودکامه بر اطاعت تاکید دارند، و از زور برای مهار اراده ی شخصی کودکان، مطیع نگه داشتن و محدود کردن خودپویی آنها، و ممانعت از بده- بستان کلامی استفاده می کنند (کوچانسکا^۱، و رادک- یارو^۲، ۱۹۹۲). اینگونه والدین بیشتر روش های انضباطی سخت بکار می برند، چون خودشان نیز با همین روش پرورش یافته اند (سیمونز و همکاران، ۱۹۹۲؛ نقل از رایس، ۲۰۰۱).

ب) فرزند پروری مقتدرانه^۳: در این شیوه، والدین کودکان را به استقلال تشویق می کنند. اما برای آنها محدودیت هایی هم قایل می شوند و عملکرد آنها را کنترل می کنند. این والدین هم در محور پاسخگویی و هم در محور توقع نمرات بالایی دارند. بین میزان پاسخدهی و میزان کنترل و توقع آنها تعادل وجود دارد. آنها به قدری که پاسخگو هستند و نسبت به نیازهای کودکانشان حساس، به همان میزان نیز توقع دارند و فرزندان خود را کنترل می نمایند. آنها کودکانشان را مورد پایش قرار داده و استانداردهای روشنی برای آنها تعیین می کنند. آنها قاطعیت دارند ولی خواسته های خود را تحمیل نمی کنند و محدود کننده نیستند. این والدین تبادل کلامی فراوانی با فرزندان خود دارند و آن ها را حمایت می کنند. به عنوان مثال یک والد مقتدر دست هایش را به دور گردن فرزندش حلقه می کند و کاملاً به او نزدیک شده و می گوید: "آیا می دانی که نباید آن کار را انجام می دادی؟ بیا با هم در مورد کار مذکور، به شیوه ای درست صحبت کنیم". آنها از روش های انضباطی حمایت کننده و غیر تنبیهی استفاده می کنند. آن ها از فرزندان خود انتظار دارند که قاطع، دارای حس مسوولیت پذیری اجتماعی، خود نظم جو و مشارکت کننده باشد. کودکانی که والدینشان از شیوه ی مقتدرانه استفاده می کنند، اغلب رفتار اجتماعی شایسته ای دارند. آنها دوست دارند که متکی به خود باشند، لذات و خواسته های خود را به تعویق بیندازند، با همسالان خود کنار بیایند و حرمت خود بالایی داشته باشند (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

بامریند بر مبنای پژوهش خود، نتیجه گرفت والدگری آمرانه که قاطعانه ولی منطقی، گرم، پرورش دهنده، و توأم با محبت است، بیش از سایر روش ها به اجتماعی شدن کودک، کمک می کند (دونوان، لیویت، و والش^۴، ۱۹۹۰). والدین مقتدر درباره ی عقاید فرزندانشان پاسخگو بوده و در تصمیم گیری های خانوادگی، نقطه نظر آنها را می خواهند همچنین، آنها از فرزندانشان

1. Kochabska

2. Yarrow

3. Authoritative parenting

4. Donovan, Leavitt & Walsh

حمایت می کنند و به آنها مسوولیت‌های اجتماعی می دهند (برنت^۱، ۱۹۹۲). علاوه بر این، وقتی کودکان نافرمانی می کنند، بدون آنکه بیش از اندازه آنها را محدود کنند، کنترل قاطعانه ای را بر آنها اعمال می کنند. این کودکان بیش از گروه های دیگر سازگاری دارند. آنها متکی به خود، مسلط به نفس و دارای شایستگی اجتماعی هستند (پاتریک، جوزف و لسون^۲، ۲۰۱۰).

ج) فرزند پروری اغماض گرانه^۳: این والدین غیر پاسخگو و بی توقع هستند. آنها خود را با زندگی فرزندانشان درگیر نمی کنند. طرد کننده، غافل و نادیده انگار هستند. وقتی که فرزند این نوع والدین، یک نوجوان یا حتی کوچکتر باشد، اگر از آنها بپرسید: الان ساعت ۱۰ شب است، آیامی دانید که فرزندتان کجاست؟ جواب را نمی دانند. کودکان والدین بی توجه، احساس می کنند که سایر جنبه های زندگی والدینشان مهمتر از خود آنهاست. آنها از نظر اجتماعی، رفتار شایسته ای ندارند، کنترل ضعیفی روی خودشان دارند و نمی توانند مستقل باشند و انگیزه پیشرفت ندارند. این والدین نسبت به فرزندانشان بی تفاوت هستند و روش آنها پرهیز از مسوولیت و صدور مجوز انجام هرکاری به فرزندانشان است. فرزندان آنها معمولاً طغیانگر، لوس، پرخاشگر، و از لحاظ اجتماعی نالایق هستند (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۸۷).

نمونه و برآورد حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش والدین دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی بود؛ که با استفاده از فرمول کوکران نمونه آماری برابر با ۲۸۶ نفر بدست آمد و پرسشنامه ها بین آن ها توزیع گردید.

روش نمونه‌گیری

برای نمونه گیری روش‌های متعددی وجود دارد. چهار معیار کلی که برای همه روش های نمونه‌گیری مطرح شده عبارت است از هدف گرا بودن، قابلیت اندازه گیری، قابلیت اجرا و اقتصادی بودن (خوئی نژاد، ۱۳۸۰). روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، یکی از روش‌های نمونه‌گیری است که در آن جامعه مورد تحقیق بزرگ و گسترده است و فهرست کامل افراد جامعه مورد تحقیق در دسترس نیست. در پژوهش حاضر به منظور انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد و همچنین روش انتخاب نمونه در طبقات بصورت غیرتصادفی در دسترس بوده است.

روش‌های گردآوری اطلاعات

گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای (جمع آوری اطلاعات از طریق پایگاه‌های اطلاع رسانی مقالات داخلی و خارجی، مطالعه کتاب های مدیریتی و منابع در دسترس) و میدانی با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش پرسشنامه ها توزیع می‌شود و پس از تکمیل شدن جمع آوری می‌گردد.

¹. Berndt

². Patrick, Joseph & Leeson

³. Neglectful or uninvolved parenting

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بود که گویه های آن شامل ۲ بخش عمده است، بخش اول شامل سوالاتی جهت جمع آوری اطلاعات جمعیت شناختی (جنسیت، سن، میزان تحصیلات و نوع شغل) بود و بخش دوم شامل سوالات تخصصی در طیف لیکرت بوده که از پرسشنامه های استاندارد استفاده گردید؛ که به شرح ذیل می باشد:

پرسشنامه نگرش والدین

این پرسشنامه برگرفته شده از مقاله والک و همکاران (۲۰۱۰) می باشد که در چهاربعد تدوین شده است؛ نظارت سوالات یک تا چهار؛ زمان بندی استفاده از اینترنت (توقف استفاده از اینترنت) سوالات ۵ تا ۶؛ قوانین استفاده از اینترنت سوالات ۷ تا ۱۱؛ ارتباط والدین با فرزندان ۱۲ تا ۲۲ و پشتیبانی از فرزندان ۲۳ تا ۲۵. این پرسشنامه در طیف پنج درجه ای لیکرت از موافقم تا مخالفم است. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در تحقیق والک و همکاران (۲۰۱۰) ۰/۹۰ گزارش شده است؛ همچنین در پژوهش مطهری نژاد و قاسمی نژاد (۱۳۹۶) ضریب پایایی ۰/۹۰ گزارش شده است. * در این پژوهش روایی این پرسشنامه توسط چندتن از پاسخ دهندگان و استاد راهنما تایید شد و سپس ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نگرش والدین ۰/۸۴۰ گزارش گردید.

پرسشنامه سبک فرزند پروری

پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزند پروری (بامریند) که توسط دیانا بامریند^۱ (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شد. این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده استبرای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ($r = -0.38$) و اقتدار منطقی ($r = 0.48$) دارد و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدارمنطقی او نداشت ($r = 0.07$). بورایی (۱۹۹۹) برای محاسبه پایایی از روش (بازآزمایی) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین (ثبات درونی) را با استفاده از فرمول (آلفای کرونباخ) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد. همچنین در پژوهش رحیمی و همکاران (۱۴۰۱) میزان پایایی برای سبک آزادگزاری مطلق (۰/۸۸۶)؛ برای استبدادی (۰/۸۱۹) و برای اقتداری منطقی (۰/۸۵۳) گزارش گردید و برای کل پرسشنامه ۰/۸۷۰ بدست آوردند.

* در این پژوهش روایی این پرسشنامه توسط چندتن از پاسخ دهندگان و استاد راهنما تایید شد و سپس ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک فرزندپروری برای کل پرسشنامه ۰/۸۷۸ و برای ابعاد آن برای آزادگذاری مطلق (۰/۷۷۲)؛ استبدادی (۰/۷۸۸)؛ اقتدارمنطقی (۰/۸۳۷) بدست آمد.

1. Baumrind

روش‌های تجزیه و تحلیل آماری

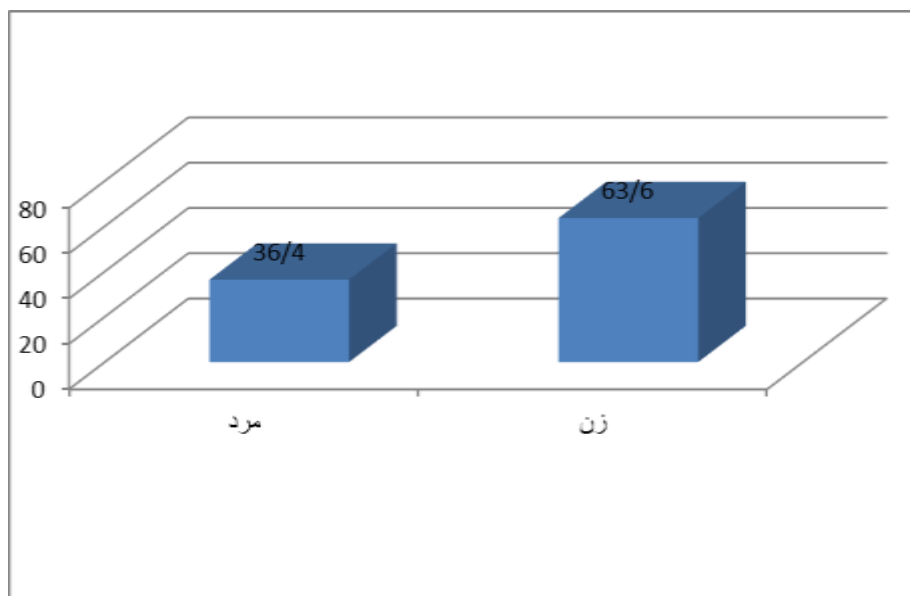
داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش آمار توصیفی از درصد، جدول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی برای سنجش متغیرها و فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل بوث استراپ و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

تشریح یافته‌های توصیفی مورد مطالعه

جدول (۱) توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب جنسیت

جنسیت	شاخص‌های آماری	
	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۱۱۳	۳۹/۵
مرد	۱۷۳	۶۰/۵
مجموع	۲۸۶	۱۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد ۳۹/۵ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش زن و ۶۰/۵ درصد دیگر مرد هستند.

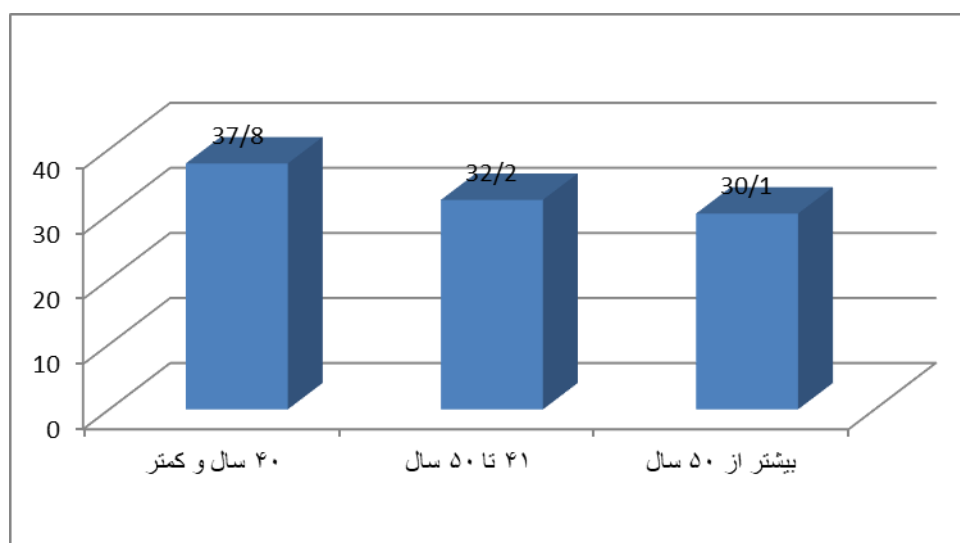


شکل (۱) توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب جنسیت

جدول (۲) توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب سن والدین

درصد فراوانی	فراوانی	شاخص های آماری
		سن والدین
۳۷/۸	۱۰۸	۴۰ سال و کمتر
۳۲/۲	۹۲	۴۱ تا ۵۰ سال
۳۰/۱	۸۶	بیشتر از ۵۰ سال
۱۰۰	۲۸۶	مجموع

نتایج جدول ۲ نشان می دهد سن ۳۷/۸ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش ۴۰ سال و کمتر است.



شکل (۲) توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب سن والدین

- یافته های استنباطی

در این بخش، یافته های استنباطی تحقیق بر اساس فرضیات تحقیق تنظیم و به آن پرداخته شده است.

- برازش مدل های اندازه گیری

در مدل های "PLS" دو مدل آزمون می شود. مدل اول مدل بیرونی است که هم ارز مدل اندازه گیری و مدل دوم، مدل درونی است که هم ارز مدل تصاویر تولید شده توسط کاربر، در مدل های مبتنی بر کوواریانس می باشد (هومن، ۱۳۹۰: ۱۹۲). بنابراین در مرحله اول مدل اندازه گیری از طریق تحلیل روایی و پایایی بررسی می شود، سپس در دومین مرحله مدل تصاویر تولید شده توسط کاربر به وسیله برآورد ضریب مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص های برازش مدل آزمون می گردد (مارتین سون، ۱۹۹۵). برای بررسی برازش بخش اول یعنی برازش مدل های اندازه گیری سه مورد استفاده می گردد: پایایی شاخص، روایی همگرا، روایی واگرا (هولاند، ۱۹۹۹). پایایی شاخص نیز خود توسط سه معیار مورد سنجش واقع می گردد: (۱) آلفای کرونباخ، (۲) پایایی ترکیبی، (۳) ضرائب بارهای عاملی (داوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۷۹).

- ضرائب بارهای عاملی

اولین عاملی که در ارزیابی مدل، باید مورد توجه قرار گیرد، تک بعدی بودن شاخص های مدل است. بدین معنی که هر شاخص در مجموع شاخص ها، باید با یک مقدار بار عاملی بزرگ، تنها به یک متغیر نهفته، بارگذاری گردد. بدین منظور باید مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۶ باشد. لازم به ذکر است که مقدار بار عاملی کوچکتر از ۰/۳ کوچک محسوب شده و باید از مجموعه شاخص ها حذف گردد. این امر به صورت دستی با حذف شاخص هایی که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۳ می باشند، انجام می شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳: ۶۶).

جدول (۳) ضرایب بارهای عاملی

متغیر	سوالات	بارعاملی
	نظارت	۰/۷۵۴
	زمان بندی استفاده از اینترنت	۰/۷۹۲
نگرش والدین	قوانین استفاده از اینترنت	۰/۸۲۹
	ارتباط والدین با فرزندان	۰/۸۱۵
	پشتیبانی از فرزندان	۰/۷۱۴
	۱	۰/۵۲۳
	۲	۰/۶۱۴
	۳	۰/۵۹۱
	۴	۰/۴۳۳
	۵	۰/۵۹۴
آزادگذاری مطلق	۶	۰/۶۲۱
	۷	۰/۵۷۲
	۸	۰/۴۸۵
	۹	۰/۵۳۳
	۱۰	۰/۳۵۳
	۱۱	۰/۴۲۵
	۱۲	۰/۵۶۱
	۱۳	۰/۷۰۰
	۱۴	۰/۵۴۲
استبدادی	۱۵	۰/۶۵۵
	۱۶	۰/۵۹۳
	۱۷	۰/۳۳۸
	۱۸	۰/۶۲۵

۰/۷۲۲	۱۹	
۰/۶۳۶	۲۰	
۰/۶۳۷	۲۱	
۰/۶۶۵	۲۲	
۰/۶۳۱	۲۳	
۰/۷۶۰	۲۴	
۰/۶۹۸	۲۵	
۰/۶۴۱	۲۶	اقتدار منطقی
۰/۵۲۲	۲۷	
۰/۵۱۴	۲۸	
۰/۶۳۵	۲۹	
۰/۶۱۲	۳۰	

همانطور که در جدول ۳ مشخص است ضرایب بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ است پس مدل اندازه گیری پایایی مورد قبول را داراست.

مقدار ضریب آلفای کرونباخ

عامل دیگر در ارزیابی قابلیت اطمینان سازگاری^۱ درونی مدل، مقدار این ضریب، از ۰ تا ۱۰ متغیر است که مقادیر بالاتر از ۰/۷ پذیرفته و مقادیر کمتر از ۰/۳ نامطلوب ارزیابی می‌گردد (کرونباخ، ۱۹۵۱).
آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه گیری): آزمون مدل بیرونی شامل بررسی پایایی و روایی مولفه‌ها و ابزار پژوهش می‌باشد.

- پایایی ترکیبی

از آنجائیکه معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی مولفه‌ها می‌باشد، روش PLS معیار مدرن تری نسبت به آلفا، به نام پایایی ترکیبی بکار می‌برد. این معیار توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی مولفه‌ها نه بصورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی مولفه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هردوی این معیارها بکار برده می‌شوند. برخی محققین معیار ترکیبی (CR) معرفی می‌کنند. در صورتی که مقدار CR برای هر مولفه بالای ۰/۷ شود نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه گیری دارد و مقدار کمتر از ۰/۳ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد (داوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۸۰).

^۱. Internal consistency reliability

CR

$$= \frac{\left[\left(\text{ضریب بارعاملی شاخص 1} \right)^2 + \dots + \left(\text{ضریب بارعاملی شاخص n} \right)^2 \right]}{\left[\left(\text{ضریب بارعاملی شاخص 1} \right)^2 + \dots + \left(\text{ضریب بارعاملی شاخص n} \right)^2 \right] + [(1 - 1) \text{ضریب بارعاملی شاخص 1} + \dots + (1 - n) \text{ضریب بارعاملی شاخص n}]}$$

پس از محاسبه مقادیر CR مربوط به متغیرهای پژوهش، جدول مقادیر مربوط به پایایی ترکیبی، بصورت جدول ۴-۷ تکمیل می شود.

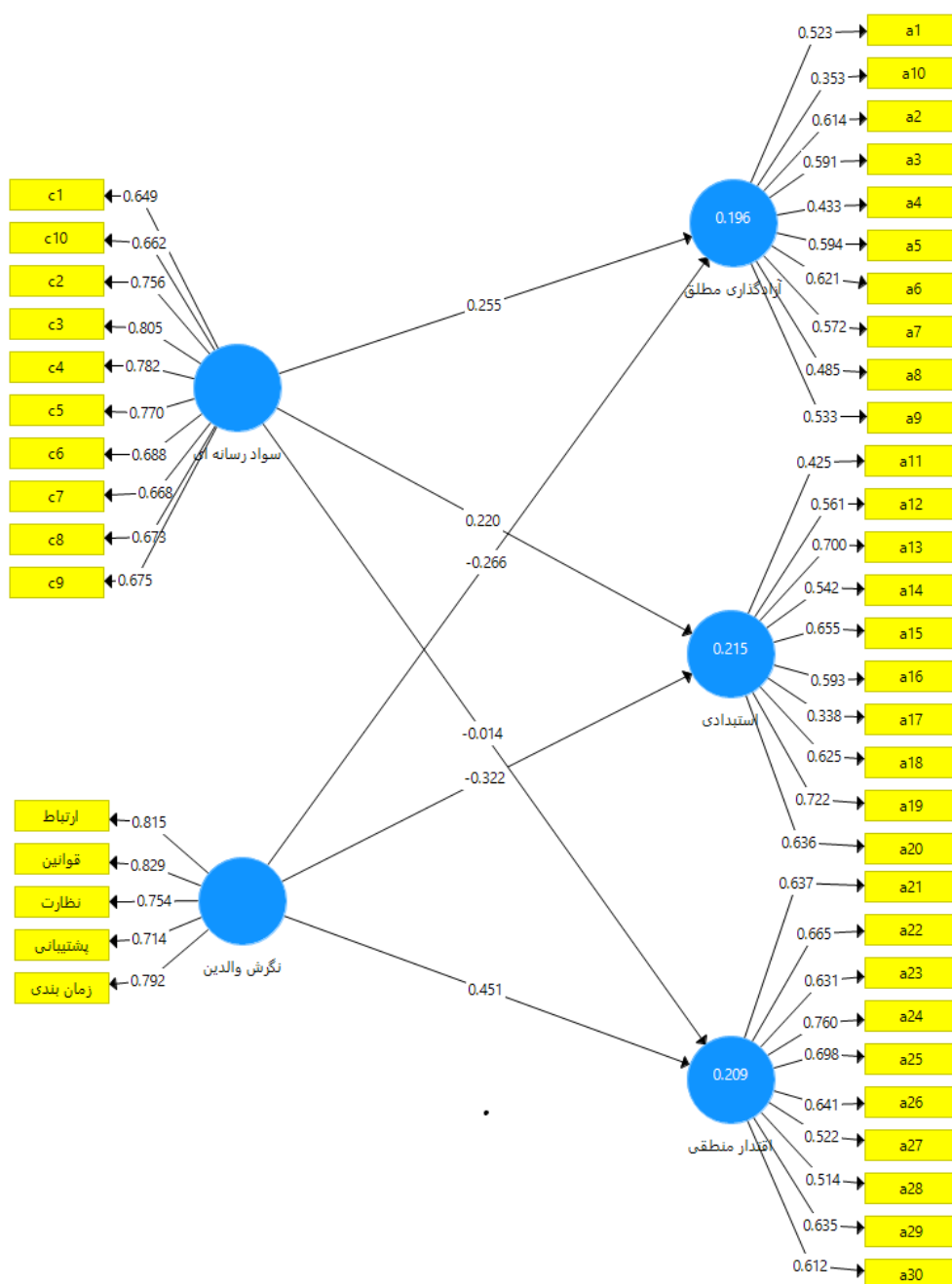
- روایی همگرا

فورنل و لاکر (۱۹۸۱) معیار "میانگین واریانس استخراج شده"^۱ را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که در مورد این شاخص، مقدار بحرانی عدد ۰/۵ است. بدین معنی که مقدار AVE بالای ۰/۵، روایی همگرای قابل قبول را نشان می دهدروش محاسبه مقدار AVE برای متغیرهای پژوهش بصورت زیر می باشد (داوری، رضازاده، ۱۳۹۳: ۸۲)

$$AVE = \frac{\left[\left(\text{ضریب بارعاملی شاخص 1} \right)^2 + \dots + \left(\text{ضریب بارعاملی شاخص n} \right)^2 \right]}{n}$$

پس از محاسبه مقادیر AVE مربوط به متغیرهای پژوهش، جدول مقادیر مربوط به روایی همگرا، بصورت زیر تکمیل می شود: از آنجایی که مقادیر AVE بزرگتر از ۰/۵ است لذا روایی همگرای قابل قبول می باشد.

^۱. Average Variance Extracted = AVE



شکل (۴) ضرایب بارهای عاملی تاثیر نگرش والدین و سبک های فرزندپروری

همان گونه که در شکل ۴-۶ مشاهده می شود ضرایب بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵ است پس مدل اندازه گیری پایایی مورد قبول را داراست.

جدول (۵) مقادیر مربوط به پایایی شاخص تاثیر، نگرش والدین و سبک های فرزندپروری

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	روایی همگرا (AVE)	
۰/۷۲۲	۰/۷۹۹	۰/۵۹۰	آزادگذاری مطلق
۰/۷۸۸	۰/۸۳۸	۰/۵۴۹	استبدادی
۰/۸۳۷	۰/۸۷۰	۰/۶۰۴	اقتدار منطقی
۰/۸۴۰	۰/۸۸۷	۰/۶۱۱	نگرش والدین

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می شود مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای همه متغیرها بزرگتر از ۰/۷ می باشد و همچنین مقدار روایی همگرا نیز برای همه متغیرها بزرگتر از ۰/۵ است بنابراین پایایی مدل از وضعیت مطلوبی برخوردار است.

روایی واگرا با استفاده از روش فورنل و لارکر^۱

معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می شود، میزان رابطه یک مولفه با شاخص هایش در مقایسه رابطه آن مولفه با سایر مولفه هاست؛ به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک مولفه در مدل تعامل بیشتری با شاخص های خود دارد تا با مولفه های دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر مولفه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن مولفه و مولفه های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین مولفه ها) در مدل باشد. در PLS بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می پذیرد که خانه های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین مولفه ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر مولفه است. این مدل در صورتی روایی واگرای قابل قبول دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشد.

جدول (۶) مقادیر فورنل لارکر تاثیر نگرش والدین و سبک های فرزندپروری

۱	آزادگذاری مطلق	۰/۵۳۸			
۲	استبدادی	۰/۵۳۲	۰/۵۹۱		
۳	اقتدار منطقی	-۰/۴۲۲	-۰/۵۱۴	۰/۶۳۵	
۵	نگرش والدین	-۰/۳۸۰	-۰/۴۲۰	۰/۴۵۷	-۰/۴۴۸

با توجه به مقادیر به دست آمده در جدول ۶ ملاحظه می شود که، مقادیر جذر AVE که بر روی قطر اصلی ماتریس وجود دارد از مقادیر زیرین هر سلول بیشتر است و بنابراین مدل روایی واگرای نسبتاً قابل قبولی دارد.

1. The Fornell-Larcker Criterion

بین سواد رسانه ای والدین با نگرش و ابعاد آن رابطه وجود دارد.

جدول (۴-۱۱) ضریب تاثیر نگرش بر سبک های فرزندپروری

متغیر پیش بین نگرش					شاخص آماری	متغیر ملاک
نتیجه	سطح معناداری	تی	مجذور ضریب تاثیر	ضریب تاثیر		
تایید فرضیه	۰/۰۰۱	۶/۸۰۸	۰/۲۰۲	-۰/۴۵۰**	نگرش	
تایید فرضیه	۰/۰۰۱	-	۰/۱۰۹	-۰/۳۳۰**	نظارت	
تایید فرضیه	۰/۰۰۱	-	۰/۰۹۱	-۰/۳۰۲**	زمان بندی استفاده از اینترنت	
تایید فرضیه	۰/۰۰۱	-	۰/۱۵۹	-۰/۳۹۹**	ارتباط والدین با فرزندان	
تایید فرضیه	۰/۰۰۱	-	۰/۱۲۲	-۰/۳۵۰**	پشتیبانی از فرزندان	

$p < 0/05$

یافته های جدول ۴-۱۱ نشان می دهد ضریب تاثیر نگرش بر سبک های فرزند پروری ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان معنی دار است. یعنی تاثیر سواد رسانه ای بر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان (۰/۳۵۰، -۰/۳۹۹، -۰/۳۴۳، -۰/۳۰۲، -۰/۳۳۰، -۰/۴۵۰) β تاثیر معنی دار دارد. بر اساس ضریب تعیین (R^2) ۲۰/۲، ۱۰/۹، ۹/۱، ۱۱/۸، ۱۵/۹، ۱۲/۲ درصد واریانس تاثیر سواد رسانه ای بر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان مشترک است.

خلاصه پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین نگرش و سبک های فرزند پروری بوده است و به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه والدین دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی شهرکرد تشکیل داده اند که تعداد آن ها براساس اعلام اداره کل آموزش و پرورش، ۱۱۰۷ نفر بودند؛ که با استفاده از فرمول کوکران ۲۸۶ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم به پرسشنامه ها پاسخ دادند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های سواد رسانه ای کانسیداین (۱۹۹۵)؛ نگرش والدین والک و همکاران (۲۰۱۰) و سبک فرزند پروری بامریند (۱۹۷۳) استفاده شد. داده های حاصل از پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان داد که سواد رسانه ای بر سبک های فرزندپروری آزادگذاری مطلق و استبدادی (۰/۲۲۰، $\beta = 0/255$) و نگرش بر سبک های فرزندپروری آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی (۰/۴۵۱، -۰/۳۲۲، -۰/۲۶۶) β تاثیر معنی دار دارد. نتایج نشان داد:

- نتایج جدول (۴-۱) نشان می دهد ۳۹/۵ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش زن و ۶۰/۵ درصد دیگر مرد هستند.
- نتایج جدول (۴-۲) نشان می دهد سن ۳۷/۸ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش ۱۳ سال است.

- نتایج جدول (۳-۴) نشان می دهد شبکه اجتماعی مورد استفاده ۳۷/۱ درصد از شرکت کنندگان در پژوهش اینستاگرام است.

- نتایج جدول (۴-۴) نشان می دهد میانگین سواد رسانه ای والدین، نگرش والدین، آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی والدین به ترتیب برابر با ۱۷/۶۰، ۱۱۰/۶۰، ۱۷/۴۳، ۱۶/۵۵، ۴۳/۳۴ است.

- نتایج جدول (۵-۴) نشان می دهد میانگین نگرش والدین، آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی والدین به ترتیب برابر با ۱۷/۷۰، ۸/۹۸، ۲۱/۸۴، ۴۸/۵۸، ۱۳/۴۸ است.

در تبیین این فرضیه می توان گفت: در طول همه گیری کرونا و پروس، مصرف رسانه توسط کودکان افزایش پیدا کرد، که کمتر آموزشی است یا و یا اصلا نیست، که به نوبه خود بر رفتار منفی آنها تأثیر می گذارد. محتوا صحنه هایی از تبلیغات نامناسب، خشونت و موارد دیگر را به نمایش می گذارد که تماشای آنها با توجه به سن آنها مناسب نیست. در انجام این کار، سواد دیجیتالی برای کودکان برای اجتناب از خطرات آنلاین ضروری است، که می تواند با سبک فرزندپروری ارائه شود. بنابراین می توان از ویژگی های سبک فرزند پروری به عنوان سطحی از گرمی و فرمان به والدین استفاده کرد. صمیمیت با والدین را می توان از طریق فعالیت هایی مانند اجازه دادن به کودکان برای تماشای فیلم، بازی کردن و کمک به کودکان در استفاده از ابزارها درک کرد. سبک فرزندپروری مستبدانه در کودکان می تواند منجر به استفاده بیش از حد از وسایل شود. از نظر سبک های فرزندپروری، فرزندان والدینی که از پاداش مادی و استقلال استفاده می کنند، در میان هفت سبک فرزندپروری، استفاده بیشتری از رسانه های روزانه دارند. انضباط استفاده کودک از رسانه های شبانه را کاهش می دهد، در حالی که پاداش های مادی استفاده از رسانه های شبانه کودک را افزایش می دهد. به نظر بورديو سبک های تربیتی محور منازعه افراد درون میدان به شمار می آیند. بورديو معتقد است ذائقه ها و اولویت های فرزندپروری محصول عادت واره و سبک های زندگی خاصی است که افراد در طی زندگی انتخاب کرده اند (پاتن، ۲۰۱۸)؛ همچنین گیدنز معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته، پویایی، تأثیر جهان گستر و تغییر دادن رسوم سنتی و ایجاد سبک های زندگی متنوع و متعدد است که این تغییرات خود را در قالب شیوه های فرزندپروری متفاوت نشان می دهند.

نگرش با سبک فرزند پروری والدین با و ابعاد آن رابطه دارد.

یافته های جدول ۴-۱۱ نشان می دهد ضریب تاثیر نگرش و سبک فرزند پروری والدین و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان معنی دار است. یعنی تاثیر سواد رسانه ای بر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان (۰/۳۵۰، ۰/۳۹۹، ۰/۳۴۳، ۰/۳۰۲، ۰/۳۳۰، ۰/۴۵۰) (β) تاثیر معنی دار دارد. بر اساس ضریب تعیین (R^2) ۲۰/۲، ۱۰/۹، ۹/۱، ۱۱/۸، ۱۵/۹، ۱۲/۲ درصد واریانس تاثیر سواد رسانه ای بر نگرش و ابعاد نظارت، زمان بندی استفاده از اینترنت، قوانین استفاده از اینترنت، ارتباط والدین با فرزندان، پشتیبانی از فرزندان مشترک است.

در رابطه با نتایج فرضیه حاضر پژوهشی یافت نشد.

کودکان زمانی که والدینشان زمان بیشتری را صرف استفاده از رسانه ها می کنند، از رسانه های بیشتری استفاده می کنند. علاوه بر این، وقتی والدین نگرش مثبتی نسبت به رسانه دارند، استفاده کودکان از رسانه در طول روز افزایش می یابد. با این حال، نگرش منفی والدین نسبت به رسانه ها به استفاده کودکان از رسانه در روز و شب مربوط نمی شود. این نتایج با تحقیقات

گذشته مطابقت دارد که نشان می‌دهد نگرش والدین نسبت به استفاده از رسانه‌های کودکان پیش‌بینی‌کننده قوی میزان زمانی است که فرزندان با رسانه‌های صفحه نمایش می‌گذرانند. در مجموع، نگرش مثبت والدین نسبت به استفاده از رسانه قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده استفاده کودک از رسانه در طول روز است و پاداش مادی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده استفاده کودک از رسانه در شب است.

- محدودیت‌های پژوهش

- پژوهش حاضر همچون پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۱- از آنجا که پاسخگویان را والدین دانش آموزان شهرکرد تشکیل می‌دهند، بنابراین در تعمیم نتایج به شهرهای دیگر باید احتیاط گردد.
 - ۲- ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر پرسشنامه بوده است. عدم بهره‌گیری از سایر ابزارها از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

پیشنهاد‌های کاربردی

۱. گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی و روانی، احساس خلاء نکنند و جهت جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند.
۲. والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط بوده و نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان خود، تهدیدات و آسیب‌های ناشی از اینترنت و فضای مجازی آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند تا از انجام بسیاری از جرایم و ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل آید.
۳. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین و خانواده‌ها در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی.

منابع

۱. ابهرزنجانی، ف؛ خردمند، آ. (۱۴۰۰). بررسی رابطه نقش سواد رسانه ای و سبک فرزندپروری با آسیب‌های فضای مجازی در مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان. مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱(۱۴): ۱۳۷-۱۲۹.
۲. اکبری بورنگ، م؛ حسینی، ع؛ شکوهی فرد، ح. (۱۳۹۳). رابطه راهبردهای یادگیری و نگرش نسبت به یادگیری زبان انگلیسی با موفقیت در درس زبان انگلیسی عمومی دانشجویان کارشناسی دانشگاه بیرجند. پژوهش‌های زبانشناختی در زبان-های خارجیش ۴(۱): ۱۲۵-۱۰۷.
۳. اکبری بورنگ، م؛ قوامی‌راد، ز. (۱۳۹۴). پیش‌بینی موفقیت تحصیلی دختران بر اساس جهت‌گیری دینی و اعتماد بین فردی آنان. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۳۳(۱۰): ۲۳-۴۱.
۴. بیران، ص؛ خدا ویردی زاده، م. (۱۳۹۰). مطالعه سواد رسانه‌ای شهروندان تبریز، دوره ۱، شماره ۲.
۵. براون، جیمز. (۱۳۷۸). رویکردهای سواد رسانه ای. ترجمه پیروز ایزدی، ۱۳۸۵، فصلنامه رسانه، ۱۷(۴): ۷۰-۵۱.
۶. بهراد، آ. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش مالیات الکترونیکی بر مبنای ادغام مدل تئوری پذیرش و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در اداره کل امور مالیاتی شهرستان شهرکرد. پژوهشنامه مالیات، ۲۷(۷۵): ۱۹۳-۱۶۷.
۷. پاتر، جیمز. (۱۳۹۲). بازشناسی رسانه‌ها ی جمعی با رویکرد سواد رسانه ای. مترجمان: امیر یزدیان، پیام آزادی و منا ادعلی، نشر قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۸. تاکنیومی، ش. (۱۳۷۸). تحلیل رویکرد انتقادی در سواد رسانه‌ای مطالعات تطبیقی بین ژاپن و کانادا. ترجمه زهره بیدفتی، فصلنامه رسانه، ۲: ۸۴-۷۹.
۹. توسلی، م؛ نعیمی، ع؛ علیزاده مشکانی، ف. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر بخش‌بندی مصرف کنندگان لوازم خانگی با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (TPB) بر مبنای سبک زندگی در شهر تهران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، ۲۰-۱.
۱۰. خیرآبادی، ا. (۱۳۸۵). رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با سطح نگرانی نوجوانان شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۱. زمانی، ب ع، نصرافهانی، ا ر. (۱۳۸۶). ویژگی‌های فیزیکی و فرهنگی فضاهای آموزشی دوره ابتدایی چهار کشور پیشرفته جهان از دید دانش آموزان ایرانی و والدین آنها. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۲۲: ۸۴-۵۵.
۱۲. سالاری فر، م ر؛ آذربایجانی، م؛ کاویانی، م؛ موسوی اصل، م؛ عباسی، ا؛ تبیک، م ت. (۱۳۹۶). روانشناسی اجتماعی در پرتو منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. سپاسگر، م. (۱۳۸۴). رویکردی نظری به سواد رسانه ای. فصلنامه پژوهش و سنجش، ۱۲(۴۴).
۱۴. شفیع آبادی، ع؛ ناصری، غ ر. (۱۳۸۴). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. شکرخواه، ی. (۱۳۸۵). سواد رسانه‌ای یک مقاله ای عقیده ای. فصلنامه رسانه، ۱۷(۴): ۳۲-۲۷.
۱۶. طلوعی، ع. (۱۳۹۱). سواد رسانه ای: درآمدی بر شیوه یادگیری و سنجش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها.
۱۷. عبدالله پور ن؛ سیدفاطمی ن؛ حکیم شوشتری م؛ مهران ع. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش بر احساس شایستگی مادران کودکان مبتلا به اختلال بیش فعالی. روان پرستاری ۵(۴): ۱۹-۲۶.
۱۸. عظیمی، س. (۱۳۹۲). روانشناسی کودک. تهران: انتشارات دهخدا.

۱۹. علی احمدی، م. (۱۳۸۹). بررسی نقش عملکرد خانواده بر سلامت روان و بهزیستی روانشناختی افراد مبتلا به درد مزمن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۲۰. کارشکی، ح؛ ارفع بلورچی، ف. (۱۳۹۳). رابطه ادراکات کیفیت کلاسی دانش آموزان دختر با نگرش تحصیلی آنان. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۹(۱): ۷۵-۸۸.
۲۱. کرری، الیزابت. (۱۳۷۵). تربیت کودک بدون کتک زدن یا لوس کردن: نگرشی عملی به امر تربیت کودکان نو پا و پیش دبستانی. ترجمه نسرين پارسا، تهران: انتشارات رشد.
۲۲. کشانی، س. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر در ارتقاء سواد رسانه‌ای کارشناسان روابط عمومی (مطالعه موردی روابط عمومی مناطق ۲۲ گان شهرداری تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
۲۳. گرجی، ر؛ کشاورز ارشدی، ف؛ حاتمی، م؛ دهقان، ا؛ وهایی، ر. (۱۳۹۴). رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین و رفتارهای پرمخاطره دانش آموزان آسیب دیده شنوایی. تعلیم و تربیت استثنایی، سال پانزدهم، شماره ۴، پیاپی ۱۳۲.
۲۴. مصفا، ف. (۱۳۹۰). روانشناسی خانواده و نظریه های آن. تهران: نشر آزاد.
۲۵. نادری بنی، م؛ دلشاد، ع؛ محمدی، ف؛ ادیب‌زاده، م. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری اطلاعات در هتل‌های شهر شیراز. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۰(۲۹): ۶۹-۹۳.
۲۶. نصیری، ب؛ عقیلی، و. (۱۳۹۱). بررسی آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای کانادا و ژاپن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱(۴۱): ۱۵۹-۱۳۱.
۲۷. نلسون، ر؛ ایزراییل، ا. (۱۳۷۶). اختلال های رفتاری کودکان. ترجمه محمد تقی منشی طوسی، مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲۸. هادی‌زاده مقدم، ا؛ رضائیان، ع؛ طبرسا، غ؛ رامین‌مهر، ح. (۱۳۹۳). ارائه مدل مدیریت رفتارهای کاری ناهنجار براساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۲(۷): ۶۵-۸۸.
۲۹. هاشمی، ش رضایی، ز. (۱۳۸۷). گذری بر سواد رسانه ای، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، ۲۲: ۱۵۵-۱۶۹.
۳۰. هترینگتون، ای، ام. پارک، اس، دی. (۱۳۹۵). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر. ج دوم، ترجمه ج، طهوریان؛ م، ج، نظری‌نژاد؛ ا، رضوانی؛ ع، آخشینی؛ خ، کسرای، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۱. یوسفی، ف؛ تجربه کار، م. (۱۳۹۴). نگرش و تاثیر آن بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

32. Abar, B. , Kermitl, C. , & Winsler, A. (2009). "The effects of maternal parenting style and religious commitment on self - regulation, academic achievement, and risk behavior among African - American pare child college", Journal of Adolescence, 32, 259- 273.

33. American Academy of Pediatrics. (2001). Committee on Public Education Children, Adolescents, and Television. Pediatrics, 107, 423-426.

34. Angell, H. M. (2005). What music Videos teach at-risk adolescent girls:making a case for media literacy curriculum. A doctoral dissertation of Philosophy. University of Florida. www. ec. europa. eu/culture/media/literacy/docs /studies/study. pdf

35. Ballard, M. E. , Cummings, E. M. , & Larkin, K. (1993). Emotional and cardiovascular responses to adults' angry behavior and to challenging tasks in children of hypertensive and normotensive parents. *Child Development*, 64, 500–515.
36. Baumrind, D. (1996). Effects of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, 887e907.
37. Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Dev. Psychol*, 4, 1–103
38. Baumrind, D. (1991). The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use. *J. Early Adolesc*, 11, 56–95.
39. Bornstein, M. (2002). *Handbook on parenting: children and parenting*. Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum Publishers.
40. Butler, J. M. , Skinner, M. , Gelfand, D. , Berg, C. A. , & Wiebe, D. J. (2007). Maternal parenting style and adjustment in adolescents with type I diabetes. *Journal of Pediatric Psychology*, 32 (10), 1227e1237.
41. Chou, H. , & Chen, Ch. (2015). The moderating effects of parenting styles on the relation between the internet attitudes and internet behaviors of high-school students in Taiwan. *Institute of Education, National Chiao Tung University*, 94, 204-214.
42. Cingel, D. P. , & Krcmar, M. (2013). Predicting Media Use in Very Young Children: The Role of Demographics and Parent Attitudes. *Commun. Stud*, 64, 374–394.
43. Cohn, D. A. , Cowan, P. A. , Cowan, C. P. , & Pearson, J. (1992). Mothers' and fathers' working models of childhood attachment relationships, parenting styles, and child behavior. *Development and Psychopathology*, 4 (03), 417e431.

The Relationship between Attitude and Parenting Styles

Abbas Abdoli Sajzai¹, Tayyaba Khorsandi Sarteshnizi²

1- Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Mimeh branch, Mimeh, Iran

2- Master of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Islamic Azad University, Mimeh branch, Mimeh, Iran

Abstract:

The current research was conducted with the aim of investigating the relationship between attitudes and parenting styles. The method of conducting descriptive research was survey, and the statistical population of this research was the parents of fourth grade elementary students. Using Cochran's formula, a statistical sample equal to 286 people was obtained and the questionnaires were distributed among them. The simple random sampling method is one of the sampling methods in which the research population is large and wide and the complete list of people in the research population is not available. In the current research, stratified random sampling was used to select the sample people, and also the sample selection method in strata was available non-randomly. The findings showed that parents' attitude and parenting style and dimensions of monitoring, Internet use timing, Internet use rules, parents' communication with children, support for children are significant. That is, the impact of the attitude and dimensions of supervision, timing of Internet use, rules of Internet use, communication between parents and children, support for children (-0.350, -0.399, -0.343, -0.302, 0.330 -, $\beta = -0.450$) has a significant effect. Based on the coefficient of determination ($2r$) 20.2, 10.9, 1.9, 8.11, 15.9, 12.2 percent of the variance of the impact of media literacy on the attitude and aspects of monitoring, timing of Internet use, rules of use From the Internet, parents communicate with their children, support their children together.

Keywords: Attitude, Parenting Styles, Child, Parents
